

اخوان المسلمين سوريه

اخوان المسلمین سوریه

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۳۵ میلادی در شهر حلب و با الگوبرداری از اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. هدف از تأسیس این جریان در سوریه مقابله با اشغال این کشور از سوی فرانسه، سامان دادن اوضاع نابسامان اقتصادی و از میان برداشتن فاصله‌های موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام بود، اما پس از استقلال سوریه و قدرت گرفتن رژیم سکولار بعث، مبارزه با این رژیم در راس اهداف این جنبش قرار گرفت. بعدها حوزه فعالیت‌های اخوان گسترش یافت و این امر از سویی، به منظور همکاری این جنبش در بازپس‌گیری فلسطین اشغالی با دنیای عرب بود و از سوی دیگر، به سبب کوچ برخی رهبران و اعضای اخوان المسلمین مصر به سوریه بود. در آن دوره زمانی فعالیت اخوان در مصر ممنوع اعلام شده بود و دفتر این جنبش در قاهره تعطیل شده و اموال آن مصادره شده بود به همین دلیل اعضای اخوان المسلمین مصر از قاهره به دمشق آمدند و مرکزیت خود را در این شهر قرار دادند. از این پس مصطفی السباعی با همکاری اخوان المسلمین مصر، رهبری اخوان را عهده‌دار شد. البته باید توجه داشت که اخوان المسلمین سوریه از نظر ساختاری مانند اخوان مصر بود و گرچه دو گروه یکدیگر را جنبش واحد می‌دانستند، اما در عمل خود مختار بودند. در این مقاله به بررسی تاریخچه و ابعاد مختلف اخوان المسلمین سوریه پرداخته می‌شود.

تاریخ پیدایش

دکتر مصطفی السباعی، جنبش اخوان المسلمین سوریه^[1] را در سال ۱۹۳۵ میلادی در شهر حلب و با الگوبرداری از اخوان المسلمین مصر پایه‌گذاری کرد.^[2] هدف وی از تأسیس اخوان سوریه، مقابله با اشغال این کشور از سوی فرانسه، سامان دادن اوضاع نابسامان اقتصادی و از میان برداشتن فاصله‌های موجود بین جهان عرب از راه احیای اسلام بود، اما پس از استقلال سوریه و قدرت گرفتن رژیم سکولار بعث، او هدف خود را مبارزه با این رژیم قرار داد. بعدها حوزه فعالیت‌های اخوان گسترش یافت و این امر از سویی، به منظور همکاری این جنبش در بازپس‌گیری فلسطین اشغالی با دنیای عرب بود و از سوی دیگر، معلول کوچ برخی رهبران و اعضای اخوان المسلمین مصر به سوریه، پس از انحلال اخوان مصر در سال ۱۹۵۴ م در این کشور بود. بعد از اینکه دفتر اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۵۴ منحل و اموال آن مصادره شد، دفتر جمعیت اخوان، مرکز خود را از قاهره به دمشق یعنی به جایی که مصطفی السباعی اخوان المسلمین سوریه را تشکیل داده بود، منتقل کرد.^[3] از این پس مصطفی السباعی با همکاری اخوان المسلمین مصر، رهبری اخوان را عهده‌دار شد. البته باید توجه داشت که اخوان المسلمین سوریه از نظر ساختاری مانند اخوان مصر بود و گرچه دو گروه یکدیگر را جنبش واحد می‌دانستند، اما در عمل خود مختار بودند.^[4]

در دهه‌های چهل و پنجاه اخوان المسلمین سوریه نقش بسیار فعالی در سیاست داخلی ایفا کرد و با حزب کمونیست و حزب بعث به رقابت پرداخت. مصطفی السباعی در اواخر سال ۱۹۴۹ جبهه سوسیالیستی اسلامی را برای مقابله با تلاش حزب خلق که خواستار وحدت سوریه با

عراق بود، تأسیس کرد. جنبش اخوان المسلمین هشت سال بعد با وحدت سوریه با مصر نیز در چهارچوب جمهوری عربی متحده مخالفت کرد. این وحدت، رهبران را به این ضرورت رساند که در سیاست فعال تر باشند.^[5]

پس از مرگ مصطفی السباعی، عصام رضا العطار در سال ۱۹۶۴م رهبری اخوان سوریه را بر عهده گرفت و به اصطلاح مراقب عام^[6] این گروه شد. بارزترین ویژگی جنبش اخوان سوریه، مخالفت همیشگی با دولت این کشور بوده است.^[7]

انشعاب در اخوان المسلمین سوریه

برخی از اعضای جنبش معتقد بودند که ارشاد مردم و دولت، نتیجه‌ای در پی ندارد. بنابراین راه جهاد علیه دولت را برگزیدند و به طور رسمی راه خود را از گروه میانه‌روی اخوان المسلمین سوریه جدا کردند. این انشعاب پس از مرگ سباعی و در زمان رهبری عصام العطار صورت گرفت. عطار به دلیل مخالفت با جهاد و اقدام مسلحانه علیه رژیم از سایر رهبران جدا شد. عطار به عنوان فردی که به شدت به اصلاح معتقد بود، نمی‌توانست خشونت انقلابی را بپذیرد.^[8] از این روی وی از محل تبعید خود در آلمان از حافظ اسد به دلیل میانه‌روی ایدئولوژی حمایت کرد و این موجب انشعاب در اخوان سوریه شد. امین یاغان (یکن یا یکان) که از اندیشه‌های مروان حدید^[9] پیروی می‌کرد، با این تصمیم به مقابله پرداخت؛ زیرا وی معتقد بود که از راه‌های نظامی باید به مقابله با دولت پرداخت. گروهی از اهالی شمال سوریه، از یاغان حمایت کردند و مخالف سیاست‌های عطار شدند. این گروه موسوم به گروه شمالی اخوان اند. در مقابل گروهی به طرفداری از عطار پرداختند و به گروه میانه‌روی دمشق موسوم شدند.^[10] گروه شمال در اوایل دهه هفتاد اقدامات خرابکارانه و تروریستی خود را شدت بخشید؛ به طوری که این اقدامات در بهار ۱۹۷۹ به آستانه جنگ داخلی در شهرهای شمالی و مرکزی رسید. پس از فروکش کردن شورش، رهبران گروه‌های مختلف اخوان المسلمین، جبهه اسلامی یا ملی را در سوریه^[11] به وجود آوردند. در سال ۱۹۸۰ این جبهه شیخ محمد ابونصر البیانونی (البینونی)^[12] را به دبیرکلی انتخاب کرد. او پس از گذشت یک ماه، طی بیانیه‌ای^[13] خواستار ساقط کردن نظام سوریه و تبدیل آن به نظامی دموکراتیک و آزادی‌بخش مبتنی بر مبانی اسلام شد. در بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ فعالیت نیروهای امنیتی بر ضد جبهه اسلامی در شهرها و روستاهای شمال و مرکز سوریه ادامه یافت. سال ۱۹۸۲، زمانی که دامنه شورش گسترده‌تر شد و به شهر حما رسید، نیروهای افراطی جبهه وارد نبرد شدند و به مدت سه هفته در مقابل ارتش سوریه مقاومت کردند، اما نتوانستند در مقابل حملات توپخانه‌ای و هوایی ارتش مقاومت کنند و در نتیجه شهر سقوط کرد. علی‌رغم شدت مبارزه و درخواست‌های رهبران جبهه اسلامی قیام حما باعث درگرفتن یک قیام عمومی سراسری در سوریه نشد.^[14] پس از فروکش کردن شورش، رهبر در تبعید جبهه اسلامی؛ (یعنی عصام العطار) به مخالفان لیبرال و سوسیالیست پیوست تا ائتلافی ملی را برای آزادی سوریه تشکیل دهند. عدنان عقله مسئول، پیشگامان مبارزه که برای تداوم جهاد بر ضد نظام قسم خورده بود، از این اقدام انتقاد کرد. در پاسخ به این انتقاد رهبران جبهه اسلامی او را کنار گذاشتند و سعید حوی را به فرماندهی تشکیلات نظامی تعیین کردند. در سال ۱۹۸۵ عدنان عقله پس از اعلام عفو عمومی که به هرگونه فعالیت سیاسی مهمی از سوی جنبش اخوان المسلمین سوریه پایان داد، تسلیم مقامات حکومتی شد.^[15] از این به بعد رهبری اخوان شمال را امین یاغان، عدنان سعید، شیخ عبدالفتاح ابوغده، سعید حوی و عدنان سعدالدین بر عهده داشتند.^[16]

پراکندگی جغرافیایی

اخوان المسلمین سوریه در شهر حلب، حمص و دمشق حضور دارند و مهم‌ترین مرکز آنان، شهر حلب است. کمتر از سی درصد جمعیت سوریه را اقلیت‌های مختلف مسیحی، علوی، شیعی و دروزی تشکیل می‌دهند و بیش از هفتاد درصد مردم این کشور از اهل سنت هستند و از این میان اخوانی‌ها، شاید بیشتر از ده درصد از جمعیت اهل سنت را تشکیل نمی‌دهند. به تعبیر دیگر، شاید جمعیت اخوانی‌ها چیزی حدود چهار تا هشت درصد کل جمعیت سوریه باشند.^[17]

بزرگان و رهبران اخوان المسلمین در سوریه

مراقبین عام اخوان سوریه در طول پنجاه سال گذشته به ترتیب ذیل می‌باشند:

1. مصطفی السباعی (1945-1964م) اولین مراقب عام اخوان المسلمین سوریه و لبنان.
2. عصام رضا العطار (1964-1973)؛
3. عبداالفتاح ابوغده (1973-1975)؛
4. عدنان سعدالدین (1975-1981)؛
5. حسن هویدی (1981-1985)؛
6. منیر الغضبان (1985) به مدت سه ماه؛
7. محمد دیب الجاجی (1985) به مدت شش ماه؛
8. عبدالفتاح ابوغده (1986-1991) برای بار دوم؛
9. حسن هویدی (1991-1996) برای بار دوم؛
10. علی صدرالدین البیانونی (1996-2010)؛
11. محمد ریاض شقفه (اگوست 2010).

عقاید فعلی جنبش اخوان

اخوان سوریه تحت تأثیر اندیشه حسن البناء، حکومت را رکنی از ارکان اسلام می‌داند. حسن البناء می‌گفت: پیامبر حکومت را ستونی از ستون‌های اسلام معرفی کرده است. از این رو موضوع حکومت در بخش عقاید و اصول عقاید و نه در فقهیات و فروع قرار دارد.^[18]

هدف نهایی اخوان المسلمین مصر برپایی نظام اسلامی است تا در محیط اسلامی خالص، فرهنگ اسلام به تمام معنا حاکم شود، نه اینکه دولتی به وجود آید که فقط نام اسلام را بر خود بگذارد. به زعم این گروه، منشأ قدرت در حکومت اسلامی مردم هستند و حاکم، این قدرت را از مردم می‌گیرد و علاوه بر این، اصل شورا نظارت مردم بر قانون را تأمین می‌کند.^[19] با وجود تأکید اخوان مصر بر تشکیل چنین حکومتی، این اندیشه در اخوان سوریه بسیار ضعیف است. به همین دلیل، اخوان سوریه تا سال 1980 به دنبال تشکیل حکومت نبود، اما از سال 1980 که اخوان شکست خورد و پس از تشکیل «جبهه اسلامی سوریه»، این جنبش به تشکیل حکومت تمایل پیدا کرد و در همین جهت، در سال 1982 به طور گسترده دست به شورش زد و شهر حما را به کنترل خود درآورد.^[20]

اخوان سوریه در اصول و ارزش‌ها و محتوای اسلامی معتقد است که اسلام با جوهره توحیدی و ارزش‌های عالی همراه با تسامح و تساهل، بهترین اصل برای جامعه سوریه تلقی می‌شود. این گروه همچنین طرح خود را برای آینده سوریه بر اساس قرآن کریم، سنت و اهداف شریعت می‌داند. برخی اصول و محورهای اسلامی مهم مورد تأکید اخوانی‌ها عبارت‌اند از: اسلامی کردن نظام قضایی، حفظ حقوق زنان مطابق موازین شرعی، احیای سنت وقف، ایجاد نهادهای حمایتی مانند نهاد زکات، حرکت به سمت اقتصاد اسلامی از جمله ایجاد بانک و نهادهای سرمایه‌گذاری اسلامی، ایجاد روحیه جهاد و احیای ارزش‌های اسلامی و مبارزه با فساد.^[21] درخصوص تحزب هم باید گفت جماعت اخوان مصر نمونه‌ای کامل از حزبی انحصارطلب است که

برای لغو احزاب و انحلال آنها و یکپارچه کردنشان در حزبی واحد تلاش می‌کرد، اما در سوریه تحول عملی جماعت از رویکرد انحصارطلب به رویکرد تکثرگرا در تشکیل «جبهه سوسیالیسم اسلامی» نمود یافت، حتی بعدها پا را فراتر گذاشت و این احتمال به وجود آمد که به نوعی حزب دموکراتیک اسلامی همچون احزاب دموکراتیک مسیح در اروپا و امریکای لاتین تبدیل شود. مواضع این جبهه عبارت بود از: دفاع از نظام جمهوری در مقابل طرح سوریه بزرگ، مخالفت با طرح دفاع مشترک از خاورمیانه، اتخاذ سیاست بی‌طرفی مثبت، طرح اصلاحات بنیادین کشاورزی، همکاری اقتصادی و سیاسی با اتحاد جماهیر شوروی و طرح سوسیالیسم اسلامی به جای کمونیسم.

در مورد مشکل رابطه دین و حکومت، السباعی شخصاً ترجیح می‌داد ماده‌ای مبنی بر پذیرش دین اسلام به عنوان دین حکومت در پیش‌نویس قانون اساسی 1950 بگنجانند. وی در نهایت موضع خود را تعدیل و اعلام کرد که اسلام و شریعت اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری هستند.^[22] در نتیجه دو مکتب در اخوان سوریه شکل گرفت: یکی، مکتب سنتی لیبرالیسم که با ابزار سیاسی، پارلمانی و تبلیغات فعالیت می‌کرد و بهترین نماینده آن السباعی بود؛ دیگری، مکتب رادیکالیسم اعتراضی که به کودتا و اعمال خشونت اعتقاد داشت.^[23] اخوان المسلمین سوریه بر تشکیل مجلس نمایندگان از راه انتخابات آزاد و صالح به منظور قانون‌گذاری و نظارت بر امور کشور تأکید می‌کند و تکثرگرایی و وجود احزاب سیاسی متعدد را می‌پذیرد.

همچنین در خصوص آزادی و حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان معتقد به آزادی اجتماعات و مشارکت در آن به استثنای مواردی است که به امنیت عمومی و گسترش خشونت کمک کند. با توجه به وجود اقلیت‌هایی مانند مسیحیان و علویان در جامعه سوریه و همچنین تجارب معطوف به رویکردهای مذهبی اخوانیها در گذشته که احتمال برداشتهای رادیکالی از آن می‌رفت، اخوان المسلمین سعی می‌کند با تأکید بر آزادی مذهبی هرگونه دیدگاه منفی در خصوص این گروه و پیامدهای به قدرت رسیدن آن را کاهش دهد. در واقع، این نوع دیدگاه‌های اخوان المسلمین به خصوص در سوریه بیشتر به مشروعیت‌سازی برای این گروه و کاهش نگرانی‌های سایر گروه‌ها در خصوص پیامدهای به قدرت رسیدن آن معطوف است. بنابراین می‌تواند به عنوان دیدگاهی ابزاری مطرح شود، به خصوص که با مبانی تفکر سیاسی اسلام‌گرایانه اخوان المسلمین همخوانی چندانی ندارد.

از مسائل و موضوعات اجتماعی دیگر، تأکید اخوان بر آزادی تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، سندیکاها و کمیته‌های دفاع از حقوق بشر، تضمین حقوق زنان برای مشارکت سیاسی و به دست آوردن مناصب دولتی و محدود کردن حوزه فعالیت دستگاه‌های دولتی به حفظ امنیت داخلی و کیان دولت و ممنوعیت آنان در سرکوب جریان‌های سیاسی است. اخوان علاوه بر تأکید بر سایر حقوق اجتماعی شهروندان مانند حمایت‌های بهداشتی و درمانی و آموزشی، به مسائل و حقوق اقتصادی افراد جامعه نیز توجهی خاص دارد و به خصوص بر ایجاد اشتغال و معیشت تأکید می‌کند.^[24]

دیدگاه اخوان در مورد تفکیک و استقلال قوا کاملاً مثبت است و آن را از جمله اصول سیاسی مهم خود می‌داند، به ویژه در مورد استقلال قوه قضائیه و تأثیر نپذیرفتن از قوه مجریه و حکومت؛ زیرا استقلال قوا را از ویژگی اصلی حکومت‌های دموکراتیک می‌داند که با هدف جلوگیری از تسلط مجریان سیاسی بر همه شئون کشور انجام می‌گیرد؛ اما اخوان هدف اصلی از تأکید بر این مسئله را عمدتاً جلوگیری از تحت تأثیر قرار گرفتن امور قضایی از سیاست‌ها و خواسته‌های حکومتی می‌داند.^[25]

نکته مهم این است که اخوانی‌ها پس از تأکید بر استقلال قوای سه‌گانه، آن را تنها به قوه قضاییه محدود می‌کنند و از چگونگی اعمال چهارچوب‌های اسلامی در قوای اجرایی و تقنینی سخن نمی‌گویند؛ درحالی‌که قوای سه‌گانه در نظام‌های سیاسی مختلف ضمن تفاوت در روابط و چگونگی استقلال، ناگزیرند نوعی تعامل باهم داشته باشند و این مسئله ممکن است نظام و قوه قضاییه اسلامی را دچار ناهمخوانی و ناهماهنگی کند.

اقتصاد اسلامی از مهم‌ترین عقاید جنبش اخوان است. برخی از باورهای آنان در این زمینه عبارت‌اند از: ایجاد اشتغال برای همه مردم، بهره‌برداری از منابع ثروت طبیعی، تحریم منابع حرام درآمد، کم کردن فاصله‌های طبقاتی، کوشش برای تأمین آسایش همگانی، تأیید مالکیت خصوصی تا آنجا که به مصالح عمومی لطمه نزند، تنظیم سیستم معاملات پولی و مالی و ... [26]

ریشه‌های فکری و اعتقادی

ریشه دیدگاه‌های اخوان‌المسلمین به قرار ذیل است:

1. تأکید و دعوت آنان به ضرورت دلیل‌یابی و اهمیت بازگشت به دو منبع اصلی (قرآن کریم و سنت)، و تأکید بر توحید کامل و پرهیز از هر نوع شرک، بر اساس دعوت سلف است. [27]
 2. دعوت اینان متأثر از دعوت‌های محمد بن عبدالوهاب، سنوسی و رشیدرضا است و بیشتر این دعوت‌ها در حقیقت گسترش مکتب ابن‌تیمیه (متوفای 728ق / 1328م) می‌باشد که این نیز برگرفته از مکتب احمد بن حنبل است. [28]
 3. گرایش اخوان‌المسلمین به تهذیب و تربیت نفس و رسیدن به مدارج بالای کمال، متأثر از صوفیه است و معتقدند این صوفیه از هر نوع بدعت، کج‌روی، ذلت و امور سلبی دور و دارای عقیده‌ای سالم است. [29]
 4. حسن‌البناء مفاهیم گذشته را به‌علاوه اموری از قبیل ایستادگی در مقابل افکار مهاجم را که در همه‌جا، به‌ویژه در مصر گسترش یافته، در دعوت خود نیز گنجانده است. [30]
- یگانه اصل اساسی اخوان‌المسلمین سوریه به عنوان اپوزیسیون حکومت سوریه، همین مخالفت و ضدیت با حکومت است و سایر نظام‌های عقیدتی و کاربردی آن بر این مبنا تغییر یافته است؛ در نتیجه میان شاخه اخوان سوریه با سایر شاخه‌های اخوان، قرابت‌هایی دیده نمی‌شود. این ضدیت تا آنجا عمق یافته که اساساً رویکرد ضد اسرائیلی خاصی در این گروه بر خلاف تقریباً همه شاخه‌های اخوان، وجود ندارد، تا آنجا که اخوان‌المسلمین اردن که یکی از ضد اسرائیلی‌ترین و جهادی‌ترین شاخه‌های اخوان است، اخوان سوریه را تحت حمایت اسرائیل می‌داند و می‌گوید اسرائیل برای کم‌رنگ کردن حرکت ضد اسرائیلی، آنها را تقویت می‌کند. این در حالی است که گروه‌های دیگری چون اخوان اردن و مصر نیز علی‌رغم مبارزه جدی با حکومت‌های دیکتاتوری غرب‌زده‌شان، مواضع شدیداً ضد اسرائیلی دارند. [31]

چرخش اخوان از اصول کلی اعتقادات

آقای شوقی حداد، یکی از نویسندگان و علمای سوری، در خصوص چرخش اخوان از اصول کلی اعتقادات اولیه خود، در مصاحبه‌ای که در دانشگاه ادیان و مذاهب با وی صورت گرفت، بیان کرد که حزب اخوان تحت تأثیر سکورلاریسم واقع گردیده و اخوان‌المسلمین فعلی در سوریه دچار انحراف شده است؛ زیرا در آغاز باورهای اخوان به گونه‌ای بود که شهید نواب صفوی می‌گفت هر شیعه‌ای که اخوانی نباشد، جعفری نیست، اما امروزه برای اخوان هدف وسیله را توجیه می‌کند؛ یعنی برای دستیابی به اهداف خود دست به هر عمل غیرانسانی از جمله کشتار مردم بی‌گناه و ... می‌زنند. در ابتدا، حضور آنها در سوریه برای قیام علیه ظلم بود، اما اخیراً این

جنبش سخنان دیگری مطرح می‌کند؛ مثلاً اخیراً رهبر اخوان یعنی آقای مهندس شقفه در پاسخ به پرسش بی بی سی که نظر وی را درباره اقلیت‌های سوریه پرسیده بود، گفت: «ما وجود اقلیت‌ها را قبول داریم، اما شیعه را قبول نداریم...». این موضع دقیقاً مخالف دیدگاه سعید حوی، اندیشمند بزرگ اخوانی، است که قائل به زندگی مسالمت‌آمیز با شیعیان بود. السباعی جنبش خود را روح و انقلاب جدیدی می‌دانست که هدفش استقرار یک نظام اسلامی جامع بود؛ با این حال وی در دهه 1950 به میزان زیادی نظریه سوسیالیسم اسلامی را مطرح ساخت.^[32]

ویژگی‌های جماعت اخوان المسلمین سوریه

درک درست جماعت اخوان المسلمین وابسته به دریافت تفاوت‌های آن با سایر گروه‌ها، تشکله‌ها، احزاب و جماعت‌های اسلامی است. این تفاوت‌ها در ویژگی‌های بارز آن خود را نشان می‌دهد. روشن است که برخی از این ویژگی‌ها از وجوه اشتراک جماعت با برخی دیگر از گروه‌ها و جماعت‌های اسلامی است، ولی کلیت آن ویژگی اخوان را نشان می‌دهد. چنان که در رساله المؤتمر الخامس آمده، امام حسن البناء ویژگی‌های این جماعت را چنین توضیح داده است:

1. اخوان المسلمین دعوتی است «سلفی»؛ زیرا مردم را به بازگشت به اسلام و کتاب و سنت و روش صالحان امت فرا می‌خواند. پیداست در برخی برداشت‌های خود با آنچه امروزه جریان سلفیه نامیده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد که نباید مغفول بماند.
2. اخوان المسلمین دعوتی است «سنّی»؛ زیرا خود را ملزم به سنّت پیامبر⁶ در همه ابعاد به خصوص در عبادت و عقیده می‌داند.
3. اخوان المسلمین دعوتی است «صوفیانه»؛ زیرا اساس خوبی‌ها را در وارستگی و طهارت نفس و پاک‌ی دل و شرح صدر می‌داند و بر پایداری بر عمل تأکید دارد و معتقد است نباید به خلق طمع داشت، بلکه باید همه چیز برای خدا باشد؛ ولی ناگفته پیداست و تاریخ هشتاد ساله اخوان نیز گواه بر این است که نگاه اخوان به «تصوف» با شیوة خانقاهی و سنتی آن فرق دارد و آن بخش از تصوف را که با سنّت پیامبر⁶ تعارضی ندارد و پیراسته از بدعت‌هاست، می‌پذیرد و به کار می‌بندد که در قرآن کریم و سنت به تزکیه و احسان معروف است.
4. اخوان المسلمین جریانی است «سیاسی»؛ زیرا خواهان اصلاح حکومت و تعدیل نگرش به مسائل مربوط به امت و حفظ عزت و کرامت مردم و ارتباط بین‌المللی است.
5. اخوان المسلمین جریانی است «ورزشی»؛ زیرا به سلامت عمومی توجه دارد و بر این است که «مؤمن قوی، بهتر از مؤمن ضعیف است» و خود را ملزم به فرموده پیامبر⁶ می‌داند: «جسم شما بر شما حقی دارد» و می‌داند که مسئولیت‌ها و تکالیف انجام نمی‌شود، مگر با داشتن جسمی سالم و قوی و سرشار از ایمان و ذهنی روشن و فهمی صحیح.
6. اخوان المسلمین پیوند دهنده علم و فرهنگ و روش فکری است؛ زیرا آموختن علم را فریضه‌ای اسلامی می‌داند، تا جایی که اگر علم در چین باشد، باید در پی آن رفت و دولت اسلامی موظف به رشد دادن ایمان و علم در جامعه است.
7. اخوان المسلمین شرکتی است «اقتصادی»؛ زیرا نظرشان این است که اسلام به مدیریت مال و کار و کسب عنایت خاصی دارد و پیامبر⁶ فرموده است: «چه نیک است مال پاک برای شخص پاک» و هم فرموده است: «هر کس شب از دسترنج خود بهره گیرد، گناهان او بخشیده است».
8. اخوان المسلمین نهادی است «اجتماعی»؛ زیرا برای پیشگیری و درمان و علاج دردهای

اجتماعی تلاش می‌کند و برنامه دارد.

9. اخوان المسلمین نهادی است «برنامه‌ریز»؛ زیرا موارد ذیل را توصیه می‌کند: یک. دوری از اختلاف و فتنه انگیزی؛

دو. پرهیز از هیمنه اعیان و اشراف و سیاستمداران بر جماعت؛

سه. پرهیز از هیمنه احزاب و گروه‌های سیاسی بر جماعت؛

چهار. عنایت به سازندگی و تکوین شخصیت‌ها و رعایت حرکت گام به گام و تدریجی در برنامه‌ها؛

پنج. عمل‌گرایی و دوری از تبلیغات شعارگونه؛

شش. توجه شدید به اقبال جوانان و عنایت خاص به آنان؛

هفت. توجه به سرعت گسترش جماعت در روستاها و شهرها و داشتن برنامه [33].

عوامل گرایش اخوان سوریه به خشونت

فعالیت‌های اخوان در ابتدا، بر مدار رادیکالیسم و انقلابی‌گری نبود و تنها در جنگ با اشغال‌گران صهیونیست در سال 1948، هزاران فرد مسلح از اخوان مصر، سوریه و اردن راهی جبهه‌های نبرد شدند، اما نمی‌توان الگو و برداشتی واحد درباره فعالیت‌های اخوان المسلمین در کشورهای مختلف ارائه داد. اخوان المسلمین در مصر سعی کرد بقای خود را حفظ کند و حتی در برخی مقاطع در فعالیت‌های پارلمانی مشارکت کرد. اخوان در اردن تا حد زیادی چهارچوب سیاسی نظام پادشاهی را پذیرفت و سعی کرد در قدرت شرکت کند، اما در سوریه، اخوان المسلمین رویکرد تقابلی داشت و با رویکرد انقلابی و تهاجمی و حتی درگیری نظامی با دولت، برای ایجاد حکومت اسلامی تلاش کرده است. [34]

اعتدال‌گرایی و گرایش به سوی جامعه مدنی و مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز و دوری از خشونت و رویارویی مسلحانه نیز برای نخستین بار از سوی اسلام‌گرایان مصری گرفته شد و به سایر مناطق جهان عرب گسترش یافت، اما اخوان المسلمین سوریه موضع رادیکال‌تری داشت. اخوان المسلمین سوریه پیش از کودتای 1963 حزب بعث در طول دهه‌های 1940 و 1950 در هیئت سیاسی و پارلمانی سوریه فعالیت مسالمت‌آمیز داشت، اما پس از کودتای 1963، اسلام‌گرایان سوری به تدریج به اقدامات جمعی خشونت‌بار روی آوردند. چند عامل مهم در سوق دادن اسلام‌گرایان به سمت خشونت و تبدیل اقدام جمعی مسالمت‌آمیز به خشونت‌بار تأثیرگذار بود:

1. سیاست‌های نیمه‌لائیک رژیم سیاسی جدید که مشروعیت خود را در تأکید بر ایدئولوژی سوسیالیسم عرب و تأکید بر جدایی میان دین و سیاست جستجو می‌کرد که برای اسلام‌گرایان قابل قبول نبود.

2. انحلال همه احزاب سیاسی از سوی بعثی‌ها و پایان دادن به حیات پارلمانی در کشور؛

3. مخالفت با طرح‌های وحدت‌گرایانه و پان‌عربیسم جمال عبدالناصر پس از 1958؛

4. گسترش سیاست سرکوب و فشار علیه نیروهای مخالف، به ویژه علیه اخوان المسلمین.

شکل اقدام جمعی اسلام‌گرایان سوری در پنج سال اولیه حکومت حافظ اسد، به دلایل زیر، چندان ویژگی خشونت‌گرایانه نداشت:

(أ). تداوم فقدان اقتدار سازمانی و رهبری در جنبش اسلامی؛

(ب). سیاست‌های وحدت‌گرایانه حافظ اسد برای تشکیل فدراسیون جماهیر عربی میان مصر،

سوریه و لیبی که در مشارکت او در حمله به اسرائیل در اکتبر 1973 تجلی یافت؛

(ج). بهبود نسبی اوضاع اقتصادی سوریه آن هم به دلیل کمک‌های سخاوتمندانه کشورهای

نفت خیز عرب.

اما در فاصله سال‌های 1976 تا 1982 صحنه سیاسی سوریه شاهد گسترش اقدام جمعی خشونت‌بار اسلام‌گرایانه بود که ناشی از عوامل زیر بود:

1. مداخله نظامی 1975 سوریه در لبنان که به دنبال آن نیروهای گوناگون فلسطینی و لبنانی، دمشق را به اتخاذ موضع ضد فلسطینی و بی‌اعتنایی در قبال محاصره اردوگاه فلسطینی متهم کردند؛

2. اتخاذ سیاست لائیک از سوی دولت بعث که در حذف اسلام به‌عنوان دین رسمی در قانون اساسی سوریه در 1976 تجلی یافت؛

3. افزایش اقتدار سازمانی در رهبری اسلام‌گرایان با انتخاب عدنان سعدالدین به عنوان رهبر اخوان المسلمین در 1976 و تشکیل جبهه اسلامی سوریه بر اثر ائتلاف نیروهای مخالف اسلامی و چپ و ملی در 1980؛

4. وخیم شدن اوضاع اقتصادی سوریه بر اثر گسترش هزینه‌های ناشی از حضور ارتش سوریه در لبنان، کاهش کمک‌های عربی به سوریه و به دنبال آن بسته شدن خطوط لوله نفت عراق به مدیترانه در 1978 که سالانه 136 میلیون دلار به سوریه زیان وارد می‌کرد. سطح خشونت اقدام جمعی اسلامی در سوریه از سال 1983 به بعد در طول دهه 1990 رو به کاهش گذاشته و جنبش اسلامی سوریه در مقایسه با اواخر دهه 1970 و اوایل دهه 1980 تضعیف شده است.^[35]

دیدگاه‌های فعلی اخوان سوریه در قبال ایران و لبنان و فلسطین

همان‌طور که بیان کردیم، دیدگاه‌های فعلی اخوان با گذشته بسیار تفاوت پیدا کرده است و اعتقاد به ایران و شیعه نیز از این قاعده مستثنا نیست. رهبر امروز اخوان سوریه معتقد است که ایران و لبنان به دولت سوریه کمک می‌کنند؛^[36] بنابراین با این دو کشور باید مخالفت کرد. آقای شوقی حداد در مصاحبه خود می‌گوید: اسامه حمدان^[37] گفت که من حضور داشتم که یوسف قرضاوی^[38] بیان کرد: کشته شدن یک‌سوم مردم سوریه برای حاکمیت یافتن دوسوم جایز است. بعد که به او اعتراض شد، در توجیه نظر خود گفت: یک‌سوم، شهید شود تا دوسوم به حکومت برسند.

مراد قرضاوی از کشته شدن یک‌سوم، کشته شدن علویان و شیعیان سوریه بود و حاکمیت دوسوم، حاکمیت اهل سنت بود. وی گفت: قرضاوی اگر از این فتوا دست برنمی‌دارد، لاقلاً بمب‌گذاری‌ها را محکوم کند، ولی از این کار هم خودداری کرد.

آقای شوقی حداد در ادامه افزود: نزار نیوف، روزنامه‌نگار سوری، می‌گفت: فردی می‌گفت در ابتدا به اپوزیسیون سوریه متمایل بودم، ولی از زمانی که به چشم خود دیدم که یکی از عالمان اپوزیسیون به نام نزار نیف در سخنان خود در شهر درعا گفت: علوی‌ها کافرند و باید کشته شوند و زن‌های آنها فاحشه هستند، خودم را از اینها جدا کردم. بعد از سخنان نزار نیوف مشاهده کردیم که در درعا از مردم همراه خواستند که به خانواده‌های ارتشی‌های بشار حمله کنند.

آقای شوقی حداد معتقد است که در مورد عقاید تکفیری، میان اخوان المسلمین سوریه و وهابیت تفاوتی وجود ندارد.

آقای محمدعلی مهتدی، کارشناس خاورمیانه و پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در مصاحبه‌ای گفته است: آقای برهان غلیون^[39] در گفتگویی خود با وال استریت ژورنال گفته بود که اگر ما [در جنگ با دولت سوریه] پیروز شویم، ارتباط با

ایران و حزب الله و حماس را قطع می‌کنیم ... [40]

نتیجه

به علت وجود برخی شرایط سیاسی و اجتماعی، اخوان المسلمین سوریه که کمتر از ده درصد از مردم سوریه را همراه خود دارد، به سمت خشونت روی آورده و نام آن را جهاد نامیده است. این گروه با کمک برخی از گروه‌های افراطی در سوریه به تقابل با حکومت بشار اسد و ستیز با شیعه پرداخته است؛ اگرچه از نظر فکری تفاوت چندانی با اخوان المسلمین مصر ندارد.

پاورقی

- [1] . Muslim brotherhood movement in Syria.
- [2] . السباعی، دوست و هم‌دانشگاهی حسن البناء مؤسس اخوان المسلمین مصر بود.
- [3] . <http://www.asnoor.ir>
- [4] . <http://www.asnoor.ir>
- [5] . بشار اسد از زمانی که بر سر کار آمد، دست به اقدامات مهمی در جهت اصلاح ساختار سیاسی امور کشور زد؛ به طوری که روزی که ایشان اداره مملکت را بر عهده گرفت، بهار سوریه نام‌گذاری شد. وی فعالیت احزاب سیاسی مختلف را آزاد اعلام کرد و نیز بر آن شد تا انتخابات سراسری برگزار شود تا مردم بتوانند در سرنوشت خود شریک شوند.
- [6] . رهبر اخوان المسلمین در مصر را مرشد عام می‌نامند. از آنجا که اخوان سوریه حرمت و جایگاه ویژه‌ای برای رهبر اخوان المسلمین مصر قائل است، نام رهبر خود را مراقب عام گذاشته است و از اصطلاح مرشد عام خودداری می‌کند.
- [7] . مهم‌ترین جلوه این مخالفت، درگیری نظامی شاخه طرفداران جهاد این جنبش در سال ۱۹۸۱م به رهبری شیخ حنیفه با نیروهای حکومتی در شهر حمات است که باعث شد دولت سوریه به سرکوبی شدید اعضای جنبش بپردازد. ر.ک: <http://www.asnoor.ir>.
- [8] . <http://inn.ir>
- [9] . وی از اهالی شهر حمات بود و در سال 1965 همراه سید قطب به دستور جمال عبدالناصر حاکم مصر زندانی شد. مروان حدید برای آمادگی اخوان برای مبارزه با رژیم بعثی در دهه 1970 در سال 1968 به گروه فلسطینی الفتح پیوست و در آنجا آموزش دید. وی پس از بازگشت به دمشق، تلاش برای ترور چهره‌های دولتی را آغاز کرد، اما در 1976 دستگیر شد و سرانجام در زندان درگذشت.
- [10] . <http://www.asnoor.ir>
- [11] . الجبهة الاسلامیة فی سوريا.
- [12] . سعید حَوّی، رهبر ایدئولوژیک جنبش اسلامی سوریه بعد از البینونی، مقام دوم را در این جبهه داشت.
- [13] . در 9 نوامبر 1980 جبهه اسلامی، اعلامیه‌ای را که حاوی برنامه‌اش بود، صادر کرد که در منشور جنبش اخوان در ژانویه 1981 منتشر گردید. اعلامیه جبهه اسلامی همانند منشور آن نشانه نفوذ بی‌چون و چرای ایدئولوژیک حسن‌البناء، رشید رضا، مصطفی السباعی، سید قطب و سعید حَوّی بود. ایدئولوژی‌های اسلام‌گرایانه مصری و سوری دارای اختلافاتی بوده است. وظیفه عظیم جبهه سرنگون رژیم بعثی بود و آنچه از دیدگاه جبهه «خطر» تلقی می‌شود، حزب بعث می‌باشد که جهاد و مبارزه مسلحانه علیه این حزب یکی از ضرورت‌هاست.
- [14] . رهبری جنبش با درگذشت البینونی (1988) و سعید حَوّی (1989) تضعیف شد.
- [15] . ر.ک: <http://www.asnoor.ir> به نقل از: موصلی، احمد: موسوعة الحركان الاسلامیة

- في الوطن العربي و ایران و ترکیا، ص 143.
- [16] . <http://www.asnoor.ir>
- [17] . [/http://www.mehrnameh.ir/article/3095](http://www.mehrnameh.ir/article/3095)
- [18] . خامه یار، عباس، ایران و اخوان المسلمین؛ عوامل همگرایی و واگرایی، ص 156.
- [19] . میشل، ریچارد، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ص 166-167.
- [20] . یزدانی، عنایت الله و دیگران، «بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه»، ص 261-263.
- [21] . گروه پژوهش مؤسسه، «تحول اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در جهان عرب»، ص 75-76.
- [22] . محمد، ابراهیم و دیگران، اخوان المسلمین سوریه، ص 12-13.
- [23] . همان، ص 16.
- [24] . گروه پژوهش مؤسسه، پیشین، ص 79-81.
- [25] . همان، ص 77.
- [26] . ر.ک: محمد، ابراهیم، جمعیت اخوان المسلمین مصر.
- [27] . <http://ahzab.blogspot.com>
- [28] . <http://ahzab.blogspot.com>
- [29] . <http://ahzab.blogspot.com>
- [30] . <http://ahzab.blogspot.com>
- [31] . <http://khdeo.blogfa.com>
- [32] . <http://www.asnoor.ir>
- [33] . <http://taskhiri13.blogfa.com> ;
- به نقل از: رساله المؤتمر الخامس، به قلم امام حسن البناء: (<http://www.islahweb.org>)
- <http://taskhiri13.blogfa.com>
- به نقل از: (<http://www.islahweb.org>)
- [34] . جمعه زاده، راحله، «بررسی مقایسه‌ای اخوان المسلمین در مصر و سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره 51، پاییز 1391؛ به نقل از: محمد، ابراهیم و دیگران، «اخوان المسلمین سوریه»، فصلنامه راهبردی جهان اسلام، ص 12، ش 46، تابستان 1390.
- [35] . احمدی، حمید، جامعه‌شناسی جنبش‌های اسلامی، ص 65-68.
- [36] . arsi.iranbriefing.net/?p=17424
- [37] . اسامه حمدان، یکی از رهبران سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس و عضو مکتب جنبش سیاسی و مدیر روابط خارجی این جنبش است (ر.ک: [http:// wikipedia.org](http://wikipedia.org)).
- [38] . برخی معتقدند یوسف قرضاوی یکی از رهبران اخوان المسلمین است. او کسی است که فتاوی‌اش نقش بسیار مهمی در اتفاقات اخیر سوریه بازی می‌کند. بنا بر برخی گزارش‌های رسیده، به سبب فتاوی‌ای اخیر وی که هر کس دولت سوریه را کمک کند، محکوم به مرگ است، عالم فرهیخته، رمضان سعید البوطی، ترور شد. این در حالی است که یوسف قرضاوی در گذشته نه چندان دور یکی از سردمداران نهضت تقریب مذاهب به شمار می‌آمد و دیدگاه‌های تقریبی وی شهرت فراوانی یافته است.
- [39] . آقای مهتدی معتقد است که برهان غلیون در رأس شورایی قرار دارد که در آن شورا اخوانی‌ها نیز حضور دارند و غلیون سخنگوی آن شورا است؛ پس دیدگاه اخوان با غلیون، در این

مورد یکسان است (ر.ک: <http://www.mehrnameh.ir>) به نقل از مجله مهرنامه، ش 18، دی 1390).

[40] . <http://www.mehrnameh.ir>;

به نقل از مجله مهرنامه، ش 18، دی 1390.

منابع

احمدی، حمید: جامعه شناسی جنبش های اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، 1390.2. خامه یار، عباس: ایران و اخوان المسلمین؛ عوامل همگرایی و واگرایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، 1390.3. گروه پژوهش مؤسسه: «تحول اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در جهان عرب»، فصلنامه جهان اسلام، سال 12، ش 46، تابستان 1390.4. محمد، ابراهیم و دیگران: اخوان المسلمین سوریه، ترجمه و آماده سازی: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، 1383.5. محمد، ابراهیم: جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه و آماده سازی: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، 1383.6. میشل، ریچارد: تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه: هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1387.7. یزدانی، عنایت الله و دیگران: «بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال 9، ش 28، بهار 1391. پایگاه های اینترنتی 1. <http://arsi.iranbriefing.net>3. <http://ahzab.blogspot.com>2. <http://asnoor.ir>4. <http://inn.ir>5. <http://islahweb.org>6. <http://khdeo.blogfa.com>7. <http://mehnameh.ir>8. <http://taskhiri13.blogfa.com>9. <http://wikipedia.org> ویژه نامه علمی نقش سلفیه تکفیری در گسترش جنگ مذهبی در سوریه، موسسه دار الإعلام لمدرسة اهل البيت عليهم السلام